

بررسی نقش مسجد محله

در توسعه و کنترل نظام پائیز محله و شهر از دیدگاه اسلام

دکتر محمد علی آبادی^۱

چکیده

سخن گفتن از مسجد در مقیاس محله بدون شناخت این موارد سخنی خام است: مفهوم محله، ساختار کلی و اجزای محله، ابعاد انسانی و اجتماعی آن، مقیاس انسانی و اجتماعی در ساختار هندسی و عملکرد مسجد محله. معماری و شهرسازی اسلامی (و هر یک از زیرمجموعه‌های آن؛ همچون خانه، محله و شهر)، و به‌ویژه ساختن مسجد، چیزی نیست مگر انعکاس اندیشه‌ی قدسی و فرهنگ نظام‌مند اسلامی که در زندگی اسلامی متجسم گردیده است. بنابراین، برپن ماهوی، ساختار کالبدی و حتی فرآیند رشد پائیز مسجد در محله، در نظام معماری و شهرسازی اسلامی، هماهنگ با قانون‌های ویژه‌ی فرهنگ اسلامی (چه رفتارهای فردی و اجتماعی و چه حقوقی و اخلاقی) است. محله‌ی خوب چیزی نیست جز تجسم فضایی روش مطلوب زندگی جمعی مسلمانان و الگوهای رفتاری آن‌ها؛ الگوهایی که برپایه‌ی سنت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه‌ی معصوم (علیهم‌السلام)، استوار است. مطابق نظر بیشتر مفکران و صاحب‌نظران علوم اسلامی، انسان و جامعه‌ی انسانی حقیقی است واحد و البته مرکب از دو بعد روح و جسم. براساس این تفکری، اگرچه روح و جسم (باوجود نوعی ارتباط) دو حقیقت متفاوت هستند؛ اما زندگی در ذات خود متعلق به روح است و جسم رکن جوهر زندگی حقیقی و الزام‌های آن (از تصمیم‌گیری، حرکت و فعل گرفته تا صفات‌های کیفی و کمی هر یک از آن‌ها) را از روح می‌گیرد.

هدف‌ها و نتیجه‌ها

^۱. استادیار دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

هدف از نوشتن این مقاله (ضمن تعریف و تبیین معنای محله و بعضی از جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی اسلامی) ارائه‌ی برخی مباحث نظری در زمینه‌ی تعریف نقش محوری مسجد محله برای پیکار کردن مسوولیت الهی انسان‌ها و تشویق و هدایت آن‌ها به همکاری و مشارکت در یکدیگر است. همچنین، تبیین رابطه‌ی الهی بین ساکنان محله در دفاع از حقوق فردی و اجتماعی یکدیگر، از دیگر هدف‌هاست. هدف دیگر از انجام این تحقیق طرح مباحث نظری و اصول کاربردی است برای تعیین جغرافیای کالبدی محله، تعیین مکان استقرار مسجد در مرکز انسانی، اقتصادی، اداری و تجاری محله و این مقاومت‌سازی و توسعه‌ی آن از طریق طرح امروزی ساختار کارکردی سنتی و عمومی مسجد. همچنین، اینکه مسجد محله را می‌توان مؤثرترین عامل در تعلیم و تربیت اجتماعی جامعه‌ی شهری مسلمانان دانست. یکی دیگر از مهم‌ترین نتایج‌های این مطالعه شناخت نقش مسجد محله است، در جایگاه تقویت‌کننده و هدایت‌کننده‌ی نظام توسعه‌ی پایدار محله‌ها در شهر اسلامی. در حقیقت، در این مقاله می‌کوشیم ذهن مسوولان و سیاست‌گزاران امر توسعه‌ی پایدار شهر اسلامی را به بهره‌مندی از فضای معنوی و تشکلات نظام‌مند مسجدهای محلی متوجه کنیم.

واژگان کلیدی: امت واحد، نظام اسلام، مسجد، محله، توسعه‌ی پایدار، معماری و شهرسازی اسلامی

پیشگفتار

از آنجاکه موضوع این مقاله «بررسی نقش مسجد محله در توسعه و کنترل نظام پایدار محله و شهر از دیدگاه اسلام» است، «ارتباط متعامل مسجد و محله و نظام کاربردی آن» محور بحث است. برای رسیدن به تعریفی روشن و کارگشا از محله، مسجد محله و رابطه‌ی تعاملی آن دو با یکدیگر، نخست باید درباره‌ی حقیقت معنوی محله (لی محل برقراری رابطه‌های تعاملی و تکاملی ساکنان) و مسجد (لی محل اقامه‌ی زندگی جمعی آن‌ها) مطالبی بگوییم. به همین منظور، در ادامه سعی کرده‌ایم تا با نگاهی سریع به منبع‌های اصلی اندیشه‌ی توحیدی اسلام، تعریف‌های مناسبی از واژگان کلیدی بحث ارائه کنیم.

اسلام و رابطه‌های اجتماعی

همان گونه که در چکیده بیان شد، انسان حقیقی است مرکب از دو بُعد ماده و روح؛ همچنین مرتبه‌ی روح انسان (و وابستگان آن؛ همچون دین، فرهنگ و ارزش‌های انسانی) درمقایسه با کالبد (و وابستگان آن؛ همچون ویژگی‌های جغرافیایی و زیست‌محیطی) بااهمیت‌تر است. واژه‌ی «رابطه» در لغت عبارت است تعامل دو بی چند موجود و مشارکت و تأثیری تکاملی و متقابل آن‌ها روی یکدیگر. روشن است که این تقابل، تعامل و مشارکت حقوقی را بر طرف‌های رابطه مسلم می‌کند. رابطه اقسام گوناگونی دارد که آن‌ها را می‌توان در چهار فصل عمده دسته‌بندی کرد: ۱. رابطه‌ی طبیعی ۲. رابطه‌ی مصنوعی ۳. رابطه‌ی قراردادی ۴. رابطه‌ی الهی. بررسی مطالعاتی نوع‌های نخست رابطه بحثی مستقل و کامل را نیاز دارد؛ بنابراین برای دورنشدن از بحث اصلی مستقیم تعریفی درپویه‌ی «رابطه‌ی الهی» ارائه می‌دهیم.

• رابطه‌ی الهی

چنانچه ملاحظه کردید، تفسیری معنای رابطه بدون وجود دو حقیقت و دو طرف هرگز تحقق پیدا نمی‌کند. اکنون، بی‌نیازم طرف دیگر رابطه‌ی الهی چیست؟

الف) رابطه‌ی الهی مکلن مجموعه‌ی اجزای جهان طبیعت؛

ب) رابطه‌ی الهی مکلن انسان و جهان طبیعت؛

ج) رابطه‌ی الهی مکلن انسان‌ها با یکدیگر؛

د) رابطه‌ی الهی مکلن انسان‌ها و خداوند.

البته در این بحث، برحسب ضرورت، فقط به روابطی می‌پردازیم که طرف‌های آن‌ها انسان‌ها هستند.

رابطه‌ی الهی مکلن انسان‌ها با یکدیگر

روابط انسان‌ها بی‌به عبارتی ساکنان هر محله را می‌توان در سه گروه اساسی بیان کرد:

۱. روابط انسان‌ها با یکدیگر؛

۲. روابط انسان‌ها با گروه‌های اجتماعی خاص؛

۳. روابط انسان‌ها با جامعه‌های مختلف انسانی.

مسئله‌ی وجود گروه‌های اجتماعی خاص در هر یک از جامعه‌های مختلف بشری و در تاریخ تمدن انسانی، مسئله‌ای دینی و مربوط به طبیعت انسان و اجتماع‌های انسانی بوده است. از دیدگاه اسلام، لزوم هماهنگی هر یک از گروه‌های اجتماعی خاص با سایر افراد اجتماع مهم است، خواه متعلق به گروه‌ی خاص باشند یا نباشد. در مکتب اسلام، تنها معیار برتری تقوا و فضیلت‌های معنوی است که در انجام کفای و کم‌ی وظیفه‌های فردی و اجتماعی، مسلمانان از آن مدد می‌گیرند.^۲ بنابراین، روابط الهی و اسلامی افراد با گروه‌های مختلف اجتماعی براساس این محورها انجام می‌شود:

۱. وحدت هدف و خط مشی؛
۲. شناخت حدود و حقوق خود و گروه اجتماعی خود؛
۳. رعایت عدالت در ارزش‌گذاری به عمل خود و گروه اجتماعی مقابل؛
۴. پرهیز از فردگرایی؛
۵. اعتقاد و احترام به رأی اکثر موافق با اصول پذیرفته‌شده در نظام بخشی و تفکر اسلامی.

روابطی انسان‌ها با یکدیگر

رابطه‌ی انسان با انسان، در نظام اجتماعی اسلام و به تبع آن در نظام اجتماعی محله (با ساکنین مسلمان و البته تحت حاکمیت قانون‌های شریعت محمدی)، برپایی عدالت، تقوا، مساوات، حقوق، مسئولیت متقابل در دفاع از حقوق، فروتری و ... اسبق است. در بخش تربیتی اسلام و برای رسیدن به وحدت حقیقت افراد جامعه، هر مسلمان در لحظه لحظه‌ی زندگی فردی و اجتماعی خود همواره دیگران را، بی هیچ تفاوتی، در جای خود ملاحظه می‌کند. البته، این بخش برپایه‌ی برادری، مساوات و مسئولیت متقابل افراد در جامعه‌ی اسلامی است؛ جامعه‌ای که در آن انسان‌های با ایمان همه برابر و برادر^۳ هستند و اعضای یکدیگر را واحد به نام امت.^۴ مسلمان در هر پست و موقعیتی که باشد، در ارتباط با دیگران، جانب انصاف، برابری و عدالت را رعایت می‌کند. مسلمان در هر حال، از جمله در تعریف کمیت و کیفیت عمل خود و تأثیری که عملش بر حقوق و منافع دیگران و به‌ویژه همسایگان خواهد داشت، به یاد خدا و رضایت خدا است؛

۲ - سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۳

۳ - سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۰

۴ - سوره‌ی انبیا، آیه‌ی ۹۲

بنابراین همان‌گونه که دوست دارد نهی مردم محترم باشد، دیگران با راستی و صداقت با او رفتار کنند، به او وفادار باشند و ادب را در رفتار با او رعایت کنند، خود نهی حقوق دیگران را رعایت می‌کند. مسلمان در حقیقت خود را جزئی از وجود دیگران و دیگران را اجزای بیکر خود می‌داند.

رابطه‌ی الهی انسان با جامعه در محله‌ای اسلامی

شکل‌گیری جامعه گاه به‌صورت اتفاقی و گاه به‌صورت هدفمند و ارادی است. شکل‌گیری جامعه‌ی اتفاقی مانند تجمع انسان‌ها در باغی عمومی است که افراد دنبال آن اجتماع نبودند. قدرمشتک چرین جامعه‌ای فقط اقدام شخصی هر یک از تماشاگران بی‌گرددشگران است. اما محله‌ی اسلامی جامعه‌ای ارادی است که از تجمع مسلمانان، با اراده‌ای روشن و آگاه‌ی قبلی، شکل می‌گیرد.

محله؛ الگوی کوچکی از جامعه‌ای اسلامی

ملاک عمل چرین جامعه‌ای فرمان خدا ب تقوا و تعاون است^۵ و سرلوحه‌ی اصول همزیستی‌شان کلام امام (علیه‌السلام) است که فرمود:

«همگی شما در قبال هدایت، دفاع و حفاظت از حقوق یکدیگر (همچون چوپاری که مسئول

هدایت و حفاظت از حقوق افراد گله است) مسئولید».^۶

بنابراین، در این جامعه، انسان‌ها براساس مسئولیت الهی در تعاون و مشارکت در نیکی‌ها و مسئولیت متقابل عمل می‌کنند و معکول‌های خاص زندگی اجتماعی اسلامی را از اصول انکارناپذیری جمع و محله‌ی خود قرار می‌دهند.

مسجد محله و نماز جماعت

۵ - سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۲

۶ - نهج‌البلاغه.

در اجتماع مؤمنان فایده‌های روحی و معنوی‌ای وجود دارد که در کمتر عملی ممکن می‌شود. مصالح عمومی و اجتماعی مردم با نماز به صورت جماعت همراه می‌شود. در اصل، وحدت و یکدلی جماعت به وجود مسجد معرفی می‌بخشد.

نماز جماعت؛ سرود عشق ما، نه من

اگر به ذکرها و کلمه‌های نماز که کمال مرتبه‌ی بندگی است توجه‌ی بکنیم، می‌بینیم که در همه جا حرف از «ما» است و نه «من». این همان امت علی‌جامعه‌ی واحدی است که ادعای بندگی حق را دارد: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» و چون روحی واحد برای بهبودن کامل و سالم مسیری جمعی بندگی از خدا می‌خواهد: «إِيَّاكَ نَسْتَعِي». دلیل وجود مسجد و جماعت مسلمانان اینجاست:

«و ما برای هر امتی پرستش‌گاه‌ی مقرر کردیم تا ب خدا توجه کنند (و آنجا جهت وحدت و انس و الفت آن امت شود)؛ پس در امر (زندگی روحانی و اجتماعی خود) با تو منازعه نکنند و تو ایشان را (در زمان دعوی و اختلاف) به‌سوی پروردگار خویش فراخوان ...»^۷

عملکردهای اجتماعی مسجد در نظام توسعه‌ی پایدار محله و شهر اسلامی

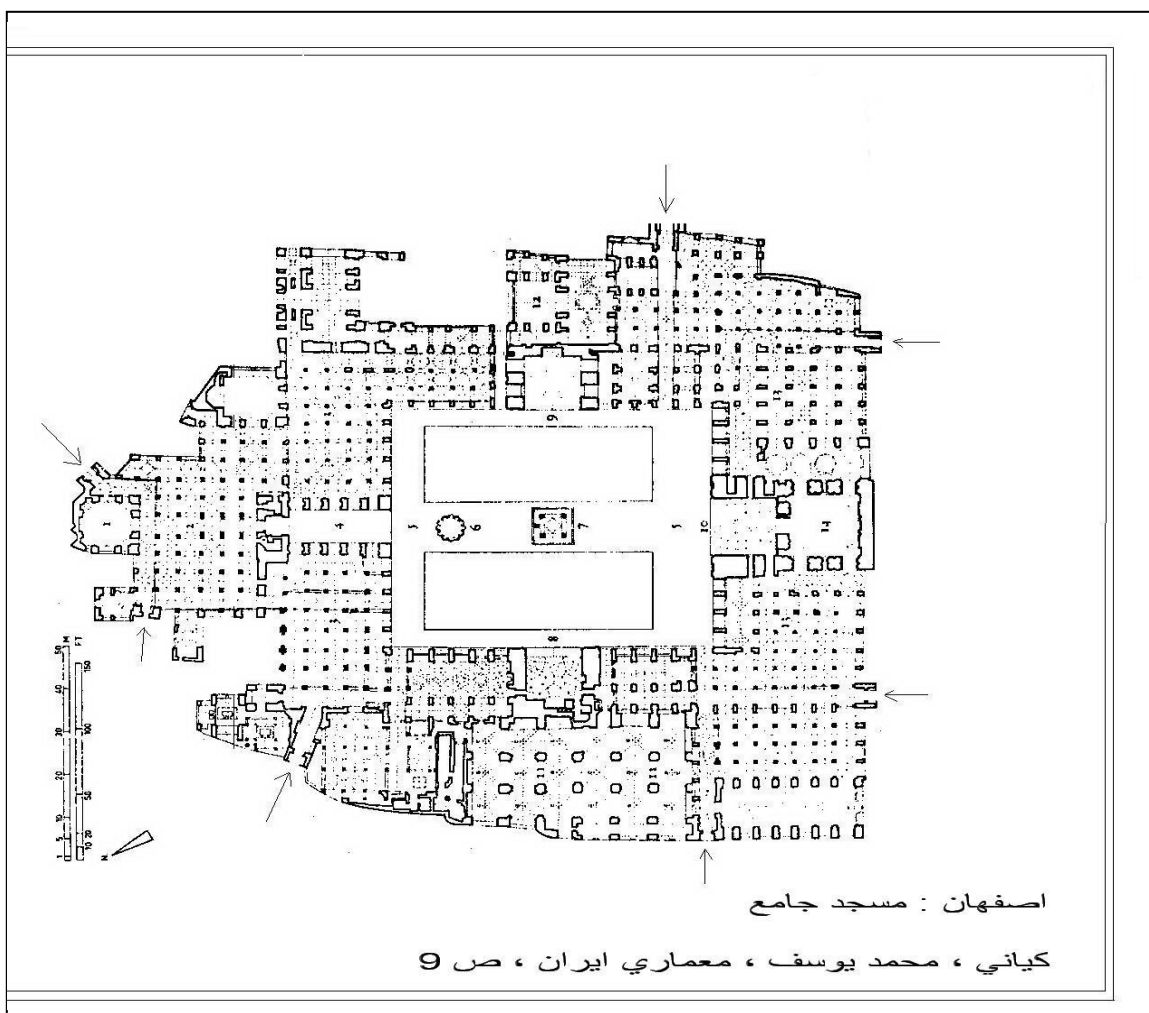
مسجد با عبادتگاه سای دین‌ها تفاوت‌هایی اساسی دارد. مسجد خانه‌ای است که زندگی روحانی مؤمنان خداجو ضرورتاً بدان وابسته است.^۸ فضای مسجد فضای پاکی، قداست و سازندگی است و محل کسب فضائی انسانی و تقویت آن‌ها. درحقیقت، مسجد محله محل تحقق همه‌ی آرزوهای جمعی مسلمانان است؛ جایگاه تجلی عرفان الهی و گام برداشتن در راه رضای اوست؛ جایگاه دورکردن و پاک کردن نمازگزاران و جامعه‌ی آن‌ها از پلیدی (چون خودبینی، نفس پرستی و منفعت‌گرایی فردی) و محلی است برای زدودن همه‌ی زنگارهایی که بر جان و فکر فردی و جمعی انسان‌ها نشسته است. مسجد محله مکان عرضه‌ی قانون‌های الهی برای زندگی جمعی و ارشاد و هدایت ساکنان است؛ مسجد محل آموزش حقیقت قرآن است.

۷ - سوره‌ی حج، آیه‌ی ۶۷

۸ - اشاره به حدیث علی (علیه السلام) در نهج البلاغه که نماد یا مثل وجود مؤمن در مسجد مثل وجود ماهی در دریا است.

نماز جماعت همان بهت عمومی و مستدام مردم محله با امامت و رهبری الهی است. از این طریق است که مردم در جریان امور محله قرار می‌گیرند. مسجد محله را بانی کانون همه‌ی تلاش‌ها و حرکت‌های جمعی و جنبش‌های فکری، دینی و سرکشی جامعه‌ی اسلامی در مؤلف محله دانست. این شکل جمعی و به جماعت برگزار کردن نماز است که بیشتر مورد نظر بوده است و اسلام بر آن تأکید می‌کند؛ تا آنجا که فرموده‌اند: «همسای مسجد را به جز در مسجد، نماز روا نیست.»

از رنسانس تا امروز، در غرب امور روزمره‌ی زندگی از عبادت‌های صوری جدا است و عبادت فقط انجام پاره‌ای مناسک نمادین، در روزهای یکشنبه‌ها، در کلیساهاست (که البته در گوشه‌ای خلوت و دور از محل اجتماع‌های سرکشی و اقتصادی است). ممکن است در جامعه‌ی اسلامی رهن برخی مقدس‌مآبان عافیت طلب عقیده داشته باشند که باید مسجد را در گوشه‌ای از شهر علی محله و دور از اجتماع‌های سرکشی و اقتصادی قرار داد و فضای داخلی و اجزای وابسته به آن را رهن بانی به‌گونه‌ای سامان داد که از اغراض دنیاطلبانه و موضوع‌های مربوط به زندگی و سرکشی امور زندگی دور باشد.



خداوند همواره مسلمانان را از صرف بیان ذکرهای نماز و انجام صوری و بدون روح مناسب آن برحذر داشته است. خداوند در آیه‌های زیادی مسلمانان را به پدیدارکردن مفهوم‌های مطرح در نماز در بیکره‌ی زندگی امر کرده است. شاهد اینکه در آن زمان که دعوی ظاهرینان و مقدس‌مآبان سطحی‌نگر بر سر موضوع تغییر قبله بود و آن‌ها بپیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) طعنه می‌زدند که چرا تا دی‌روز بر قبله‌ای دیگر بودیم و امروز بر قبله‌ای دیگر، خداوند در کمال صراحت فرمودند:

«بگو (و خوب بودن) آن چیست که صورت‌های خود را (در هنگام خواندن نماز و ادای کلمات و اذکار نمادی آن) به سمت شرق بگویی بی‌به‌سمت غرب؛ بلکه (بگو)، انسان بگوید (و) بگو (و خوب بودن او در عمل به معانی و مفاهیم مستتر در اذکار نماز است و در) آن است که (در اندیشه) مؤمن به خدا (و به اندیشه‌ای عقلمند و سالم) بوده، به حقیقت روز (در دلی) پس از مرگ و به حقیقت وجودی فرشتگان (به معنی گردانندگان آسمانی امور نظام‌مند عالم آفرینش) و به حقیقت کتاب (به معنی نظام‌مندی و به اندازه‌بودن و به‌جا بودن روایات و دیده‌شدن نظام کلی و جزئی امور جهان در کتاب آفرینش) و به حقیقت امر فرستادگان خداوند (در امر رسالت و رساندن و تفسیری فرامی و احکام صادره از سوی حضرت پرورش دهنده‌ی عالم و موجودات آن) ایمان داشته و مال و دارایی خود را، با همه‌ی عشق و علاقه‌ی ذاتی و طبیعی‌اش به آن، به خویشان تهی‌ست و به آن کسانی که سرپرست خویش را ازدست داده‌اند و به آن‌ها (که در نتیجه‌ی بعضی مسائل و مشکلات) به خاک فقر و نداری نشسته‌اند و به آن‌ها که در راه مانده‌اند (و به دلائل مختلف امکان ادامه‌ی راه و رسیدن به مقصد خویش را ندارند) و به آن‌ها که در بند بازپرداخت دین و تعهدات خویش در زندان به سر می‌برند و حقیقت نماز را (در بستر و بیکره‌ی زندگی و افعال خود بپایه نموده و زیبایی‌ها و کمالات الهی آن را) برپای دارند و زکلت (بی‌همان حقوق مسلم نظام‌مندان را که البته به غی از تمامی موارد مذکور در فوق است) را بپردازند و (در جامعه، در حوزه‌ی کار حرفه‌ای و در خانواده) به عهد و پیمانی که می‌بندند و انجام اموری را که متعهد می‌شوند وفادار و پایمند باشند و (بیکوکاران آن کسانی هستند که) نسبت به سختی‌ها و مشکلاتی (که در نتیجه‌ی درستی و انجام عمل بگو و بسطی مسائل دیگر در راه زندگی) حتی در حین انجام کار و در دوران مشکلات صبور و بردبار باشند، ایشان آن کسانی هستند که به حقیقت (در بر زبان آوردن الفاظ و اذکار و برپایی

نماز) سخن به راستی و درستی گفته‌اند و خدا را و احکام خدا را در چگونگی انجام افعال خود لحاظ کرده‌اند»^۹.

بنا بر این آیه، اگر درک مؤلف از مفهوم «برپاداشتن نماز»، در نظر مخاطبین، درست باشد و اقامه‌ی نماز را همان «عملی‌کردن» ارزش‌ها در رفتار نمازگزاران بدانیم، وظیفه‌ی جامعه‌ی اسلامی برای «جمع‌کردن» این ارزش‌ها و کمال‌جویی‌ها» در اندیشه و عمل جمعی جامعه‌ی اسلامی است. نقش مترقی و تحرک‌آفرین مسجدهای محل در حرکات اجتماعی مسلمانان رن، بخصوص در صدر اسلام، نشان می‌دهد که نقش مسجد محله به برگزاری صورت نماز و رطش‌های کلامی و فردی منحصر نیست.^{۱۰} به لحاظ تاریخی رن، مسجد محله کارکردهای عمومی زیادی داشته است؛ چون کارکردهای نظامی و سرطری، کارکردهای اجتماعی و فرهنگی و درنهایت کارکردهای آموزشی و پرورشی. مدرسه‌ها و کتابخانه‌ها رن در پاره‌ای از زمان‌ها در مسجدها تشکلی می‌شدند. معروف‌ترین نمونه‌ی این مسجدها مسجد جامع الازهر در قاهره است.

کارکردهای سرطری اجتماعی مسجدهای محله

کارکردهای سرطری اجتماعی که به مسجد‌های واقع در مرکز‌های اجتماعی و اقتصادی محل‌ه‌های شهرهای اسلامی داده شده است، درواقع یکی از گام‌های بلندی بود که پلمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در ابتدای دعوت خویش برای توسعه‌ی وحدت اجتماعی مسلمانان برداشت. طه ولی به نقل از احمد شلپی، دانشمند معاصر مصری، می‌نویسد:

«هدف از ایجاد مسجد ساختن بنایی برای عبادت تنها نبود؛ زی‌اکه اسلام تمام زمین را برای مسلمانان مسجد قرار می‌دهد، ولکن اهمیت اولن بنای برطن نهاده‌شده (جامعه _ محور)^{۱۱} در اسلام به‌عنوان مسجد برطن عمیق‌تر از این بوده است. با توجه به ساختار قبیله‌گی جامعه‌ی اعراب آن زمان

۹- سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۷۷

۱۰- هرچند در دوره‌ی حکومت خلفای اُموی و علبسی نیز مسجد و منبر به منزله‌ی وسیله‌ی ارتباط جمعی بود و اعلان مرگ حاکم، نتیجه‌ی جنگ‌ها، اعلان‌ها و فرامان‌های حکومتی، اعلان احکام مالیاتی و در آخر اعلان احکام عزل و نصب صاحب‌منصبان در مسجد خوانده میشد.

۱۱- گویا اشاره‌ی احمد شلپی به آیه‌ی "إِنْ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَبْكَه، مُبَارَكاً وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ" از قرآن کریم است که در آن به حقیقت واحد و جمعی انسان‌ها اشاره‌ای دقیق شده است؛ با استفاده از واژه‌ی "ناس" (که در ذات معنوی خود بیانگر حقیقت جمعی و متحدالاعضاء جامعه‌ی جهانی انسانی است).

و به منظور شکستن مرزهایی که از این ساختار منشاء گرفته و باعث از پی رفتن روح وحدت و یگانگی در جامعه‌ی توحیدی اسلام می‌گردد، مقصود پلیمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از ایجاد بنایی با کارکرد نمازگاه علی مسجد و با نام «خانه‌ی خدا» ایجاد بنایی اجتماعی بود که انتساب به قبیله‌ای خاص نداشته نباشد، تا به واسطه‌ی آن، تنها افرادی از گروه‌های خاص و خاندان‌های معینی در آن گرد آیند؛ بلکه منظور بنایی بود متعلق به همگان که در آن مسلمانان، علاوه بر نماز، یکدیگر را برای مشاوره، انجام دیگر امور دینی خود چون آموزش، امور قضایی و بازرگانی ملاقات می‌کردند.^{۱۲}

اصالت فرد و جامعه

پیش‌تر بحث گفتیم، در تعالیم‌های اسلام از یک سو بر مسئولیت فرد بنیای خودسازی و شکل‌دادن به اندیشه، اراده، اخلاق و عمل فردی تکیه شده است و از سوی دیگر (و البته با اهمیت بیشتر) بر وظیفه‌ی دینی و الهی او برای محیط‌سازی، رشد، حمایت و حفاظت از ارزش‌های اجتماعی تکیه شده است؛ همچون اراده‌ی اجتماعی، اخلاق اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و عمل اجتماعی متعاون و البته کمال جوئنده. تا آنجاکه گویی ذات و سرشت انسان‌ها تاحدبسیر زیادی به یکدیگر پیوسته است. به همین جهت، مسلمانی که در چه‌ارچوب معیارها و ضابطه‌های اسلام قرار می‌گیرد، در عین توجه به مسئولیت فردی خویش جمع‌گراست؛ تا آنجاکه هرچه از خدا می‌خواهد، برای «ما» می‌خواهد و نه فقط برای «من». در کتاب خدا می‌خوانیم: «ما» تنها بق را می‌پرستیم و «ما» فقط از تو طلبی می‌خواهیم، راه مستقیم را به «ما» بنمایان ...^{۱۳}. تاکنی اسلام بر مسئله‌ی امر به معروف و نهی از منکر، مسئولیت متقابل افراد محله علی حقی امت در هر مقامی، متوجه کردن آن‌ها به تألیف عمیق پاک‌ی آلودگی محیط اجتماعی بر روح و حرکت معنوی ساکنان و تکیه بر اصل ولایت الهی همه بر این امر دلالت می‌کند که نظام عقیده و عمل اسلامی برپایی اصالت آمیخته‌ی فرد و جامعه است.

^{۱۲} - طه ولی، المساجد فی الاسلام.

^{۱۳} سوره‌ی فاتحه، آیه‌ی ۵ و ۶

اشتراک در دین، عقیده و عمل صالح مؤمران و تأثیری آن بر نظام مدیّنت، عمران و توسعه‌ی پایدار محله

مهم‌ترین اشتراکی را که اسلام برای جامعه‌ای انسانی مطرح می‌کند، اشتراک در دین، عقیده، عمل صالح و ویژگی‌های شایسته‌ی اجتماعی و فرهنگی ساکنان است. دانش جامعه‌شناسی امروز این ثابت کرده است که فرهنگ حاکم جامعه و محیط تاحدودزیادی بر روح و رفتارهای ارزشی و انسانی افراد تأثیر دارد. همه‌ی دین‌های ابراهیمی، به‌ویژه دین مبین اسلام، این بر ضرورت سالم‌بودن محیط زندگی و همسویی دوستان و همنشینان (در رفتار و مرام اخلاق دینی) تأکید فراوان کرده‌اند.

در محله‌های امروزی، دیگر همیاری ساکنان وجود ندارد و روابط اقتصادی مهم شده است. اگر با ملاک‌های اسلامی به مسئله‌ی محله توجه شود، ساکنان وضع مناسب‌تری خواهند داشت. بالین‌کار، مشارکت‌های همسایگان، شوراهای اسلامی محلی و بهمان‌های جوانمردی همچون گذشته، فعال می‌شوند و البته وضعیت نامناسب فعلی محله‌ها، در شهرهای اسلامی، از نظر امریّت اخلاقی و فرهنگی بهبود می‌یابد.

امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر متجسّم

«دعوت‌کنندگان مردم ببدنی حق و صلاح باشند؛ البته با ابزاری غی از زبان» (حدیث نبوی)
نخستین تر گفتیم محله (مطابق با اندیشه‌ی اسلامی) به جامعه‌ای اطلاق می‌شود که در هدف، حرکت و این در شدن اشتراک دارد و اجزای تشکیلی دهنده‌ی آن به یکدیگر مربوط هستند؛ تاجایی که حرکات یکی از اجزا به حرکات دیگر اجزا بستگی دارد. در چنین جامعه‌ای، فردگرایی رخت بر بسته است و هر یک از افراد صلاح جامعه را صلاح خود و درد جامعه را درد خود می‌دانند:

«و باین از شما مسلمانان گروهی یکدل و یک جهت مردم را به سوی نیکی‌ها بخواند، به

کارهای شایسته امر کرده و از اعمال زشت باز دارند؛ پس همانا ایشان رستگارانند».^{۱۴}

امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر یکی از اصول علمی و عملی اسلام است و ضامن سلامت و پاکی اجتماع مسلمانان. امام باقر (علیه‌السلام) درباره‌ی اهمیّت و ضرورت اجرای این اصل در جامعه و نقش برپای آن در اصلاح امور می‌فرماید:

^{۱۴} - سوره‌ی آل عمران: آیه‌ی ۱۰۴

«بهوسیله‌ی این اصل (یعنی اصل امر به معروف و نهی از منکر) سای دستورها و واجبات (مرد و فراموش شده‌ی دین) زنده شده، راه‌ها امن گشته، کسب‌ها حلال و مظلوم به صاحبان اصلی برگردانده می‌شود. زمین‌ها آباد گردیده، از دشمنان انتقام گرفته شده و امور در مجرای صحیح و مستقیم خود قرار می‌گیرند».^{۱۵}

برای بهبود مشکلات امروز محله‌ها، در این بخش به طرح و شرح برخی راه‌های عملی و شیوه‌های متفاوت انجام این اصل می‌پردازیم. تا آنجا که در متن‌های دینی آورده شده است، امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله دارد: نخست، مرحله‌ی قلب علی اخلاص، حسن ریت و علاقه به سرنوشت مسلمانان ؛ دوم، مرحله‌ی زبان علی طین‌های روشن‌کننده، منطقی و رکک ؛ و سوم، مرحله‌ی عمل علی تبلیغ عملی، حسن عمل علی تدبیرهای عملی. این مرحله کامل‌ترین و مؤثرترین آن‌هاست. بنابراین، در جامعه‌ای اسلامی که افرادش برای یکدیگر الگو هستند و نظم‌برش برای ایشان یکوترین نمونه‌ی انسانیست،^{۱۶} مؤمن نه تنها لب‌زبان و گفتار این اصل را مدنظر قرار می‌دهد، بلکه در همه‌ی کارهایش (حتی در قالب رفتارهای حرفه‌ای و شغلی) امرکننده به معروف و نهی‌کننده از منکر است.

«حق سرپرستی دانایان بالیمان» و تأسی آن در تعریف کارکرد و نظام ساختاری مسجد محله شایع بتوان گفت که اصل «حق سرپرستی دانایان بالیمان» یکی از راهکارهای عملی پیشنهادی اسلام در اجرای اصل بسطو حلی‌ی امر به معروف و نهی از منکر است. در این نظام و براساس این اصل حکمت آفری، هر فرد دانا و بالیمان محله وظیفه‌ی انجام امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه‌ی انسانی دارد. او می‌کوشد تا حقیقت عدالت را در صورت‌های گوناگون معنوی و کالبدی برپای دارد. اندیشه، عمل و طرح او شاهدی روشن بر کلام و قانون خداوند است؛ اگرچه به قیمت ازین رفتن منافع مادی خود و وابستگی‌اش باشد. خداوند فرموده است:

«ای مردم بالیمان! عدالت را بپای دارید و برای خدا (به عدل و صدق) گواهی دهید هر چند

بر ضرر خود علی پدر و مادر و خویشانتان باشد».^{۱۷}

^{۱۵} - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار.

^{۱۶} - سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۴۳

^{۱۷} - سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۸ و سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۳۴

در مدینه‌ی فاضله‌ی اسلامی، هر فرد با ایمان (در حوزه‌ی تخصصی‌اش)، بنا بر اصل زی‌بنایی «ولایت عالم بر جاهل»، خود را عضوی مسرئول و متعهد در نظام متحدالاعضای مجرطن و حافظان قانون محله و شهر می‌داند. او از حق ولایت و سرپرستی خود (در فسادستیزی و اصلاح محدوده‌ی کاری خود) استفاده می‌کند و کار و صنعت خویش را آن‌گونه طرح می‌زند، اندازه می‌کند، سازمان می‌دهد و شکل می‌بخشد که خدا می‌خواهد و دوست دارد. به‌طور متقابل نیز همه‌ی ساکنان آن فرد را ولی و سرپرست خود در حوزه‌ی خاص می‌دانند و پیروی از او را وظیفه‌ی دینی خود می‌دانند.

استقرار بخش «انجمن سرپرستی دانائین بالیمان» علی «بسیج نگهبانان دانای محله‌ی پاک» در مسجد محله

انجمن سرپرستی دانائین بالیمان علی بسیج نگهبانان شهر پاک یکی از نهادهایی است که در جهت عملی‌کردن امر به معروف و نهی از منکر و با مددجستن از تجربیها و ساختار تشکلاتی و نظام‌مند بسیج در محله‌ها می‌تواند جزئی جدایی‌ناپذیری از ساختار کاربردی و کالبدی مسجد هر محله باشد. چنین انجمنی باید از رویه‌هایی بهره بگیرد که به احکام و قوانین شریعت دانا باشد، همه‌ی جنبه‌های مسئله‌ها را بررسی کند، مهربان و صبور و البته کمی هم شجاع و باهیت باشد تا از حرم ساکنان و حقوق الهی حاکم بر فضای انسانی محله نگهبانی کند.

نقش انجمن سرپرستی دانائین بالیمان در برپایی نظام عادل اجتماعی در محله

قرآن کریم درباره‌ی برقرارکردن عدل در جامعه می‌فرماید:

«ما یظہران خویش را با دلیلهای آشکار فرستادیم و با آنان کتاب و میزان (سنجش حق و باطل)

نازل کردیم تا مردم عدالت را به پای دارند.»^{۱۸}

حتی در آنجاکه به مسلمانی ستم می‌شود، انجمن دانائین بالیمان، در کمال مهربانی و باتکی بر ارزش‌های والای اخلاق اسلامی، می‌تواند در فهماندن حکم عدالت اسلامی کمک کند. خداوند می‌فرماید:

^{۱۸} - سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۵

«عمل زشت گروهی شما را برآن ندارد که (در اندیشه و عمل خویش) از مسیری عدالت خارج شوئ؛ در مسیری عدل رفتار کرئ که آن به تقوا (به معنای عمل هم‌آهنگ با خواست و اراده‌ی خداوند) نزدیک تر است».^{۱۹}

البته، در صورت استمرار بی‌عدالتی بعضی افراد علی‌حده‌ی ارگان‌ها و سازمان‌ها در محله، این گروه وظیفه‌ی دی‌ی دارد تا با استفاده از روی بسیج محله از آن جلوگیری کند و خاطئ را به مرجع‌های قضائی و انتظامی تحویل دهد. اگر در جامعه عدالتی همه‌جانبه برقرار باشد، محیط برای رشد فرد و جامعه فراهم می‌شود و روند عمومی حرکت جامعه هم‌آهنگ با روند تکاملی کل جهان آفرئش خواهد بود؛ درمقابل نیز ادامه‌ی بی‌عدالتی در جامعه موجب ایجاد و رشد فساد و ارتجاع و باعث سقوط جامعه و افراد جامعه می‌شود.

جای خالی شورای محلی کنترل کفئ ساخت‌وساز در اجزا و اندام‌های وابسته به مسجد محله

از دیگر پیشنهاد‌های کارساز اینجانب برای رشد و کنترل نظام‌مند توسعه‌ی محله‌ای، تشکلی شورای محلی کنترل کفئ ساخت‌وساز در مسجد محله است. این شورا، از نظر نظام ساختاری مدی‌ت محله، در کنار انجمن دانائئ بالئمان است و در حقیقت حلقه‌ی فعال واسطئ بین شهرداری و مردم است. بدی‌ی است در ساختار تشکلاتئ این شورا علاوه بر وجود روحاری و امام جماعت مسجد محل، وجود معتمدان، رئیس سفئان، جوانان پرتلاش، روی‌وهای تحصی‌کرده و البته متخصصئ رئن ضروری است. در صورت نبودن متخصص مئئ ساکنان محله، می‌توان این ضعف را با کمک گرفتن از شوراهای مسجد‌های محله‌های دیگر علی‌سازمان‌های تخصصی (چون شهرداری‌ها) جبران کرد.

در شرح مسی‌لت‌های گوناگون این شورا می‌توان از نظارت و کنترل بر اجرای درست و ک‌امل حق برخورداری همه‌ی خانه‌ها از نور آفتاب و نسیم نام برد. همچنین، نظارت و کنترل بر حفظ حریم خانه‌ها و سای بن‌ها، حفظ حق دئ و منظره‌ی مناسب ساکنان، جلوگیری از ن‌سازی‌های ن‌ه‌ن‌جار و نامتناسب ساختمان‌ها (به مثابه‌ی نمادی از هویت اسلامی کالبد شهر اسلامی)، جلوگیری از نصب تابلوهای مزاحم

^{۱۹} - سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۸

تبلوغاتی، حفاظت از حریم راه‌ها و جلوگیری از ایجاد مزاحمت برخی کسبه‌ی متخلف بی‌بش‌آمدگی ساختمان‌ها.

ارائه‌ی چند تعریف از محله و مسجد محله

براساس مطلب‌های ارائه‌شده در صفحه‌های نخست و نیز تحقیق واژه‌شناسانه‌ای که درباب شرح حقیقت محله و جایگاه معنایی و کالبدی آن در شهر اسلامی در گذشته کرده‌ایم،^{۲۰} این تعریف‌ها ما را در رسیدن به تعریف بهتری از مسجد محله کوی می‌دهد:

تعریف اول از محله

محله به محدوده‌ای از شهر گفته می‌شود که ساختار کالبدی و انسانی خاصی (به معنای اعم آن) دارد و افراد آن از نظر اخلاق و ارزش‌های عمومی انسانی، حرفه و کارایی، مسئولیت‌پذیری شغلی و مدنی و مکان بایسته و شایسته‌ی خود قرار گرفته‌اند و براساس قوانین (خاص جامعه‌ی انسانی خود) رفتار فردی و اجتماعی خویش و وابستگان خویش را منظم می‌کنند.^{۲۱}

تعریف دوم از محله

محل و محله عبارت است از شهر بی‌قسمتی از شهر که علاوه بر ویژه بودن موقعیت جغرافیایی و صفات شکلی ساکنان، نظام ویژه‌ای از صفات رفتاری بر آن حاکم است که نتیجه‌ی دین، عقیده و فرهنگ انسانی خاص ساکنان آن محل بی محله است.

تعریف سوم از محله

محل و محله به ترتیب به شهر بی‌قسمتی از شهر اطلاق می‌شود که مجموعه‌ای واحد و البته ویژه از اصول فرهنگی و قوانین اجتماعی بر آن و رفتار مردم آن حکومت می‌کند؛ بنابراین هر نوع رفتار دیگر در محیط و محدوده‌ی آن غنی مجاز است و حتی انجام آن می‌تواند با

^{۲۰} - ر ک: علی، آبادی، محمد، بررسی رابطه‌ی ذاتی روح و کالبد در نظام توسعه‌ی پایدار محله از دیدگاه اسلام، ارائه‌شده در همایش علمی کاربردی توسعه‌ی محله‌ای (چشم‌انداز توسعه‌ی پایدار شهر تهران) به مدیریت و برگزاری مرکز تحقیقات حوزه‌ی امور اجتماعی شهرداری تهران در شهریور ۱۳۸۳.

^{۲۱} - ر ک: طباطبائی، محمد حسین، میزان، ج ۱۷، ص ۷۴-۷۱.

جریمه و تنبیه همراه باشد. اطلاق صفت "محلی" به چیزی بی کسری به معنی آن است که آن چیزی بی آن کس نبوی و قوانین و فرهنگ حاکم بر آن محل بی محله (به معنی نظام واحد حاکم بر رفتار، لباس، مسکن و ...) است.

تعریف چهارم از محله

محله‌ی مسکونی را می‌توان محدوده‌ای از شهر دانست که این شرط‌های ویژه را دارد: موقعیت زمینی قومی بی قبیله‌ای انسان‌ها، قانون‌های و حدود کیفی خاص (که نشأت گرفته از همان حدود و ثغور فرهنگی قوم و قبیله ساکن محله است) حاکم بر رفتارهای ساکنان، پیمان‌ها و همچنین قراردادهایی میان افراد آن قوم بی ساکنین محله برقرار است که دربردارنده‌ی امتیازها، حقوق، وظایفها و تعهدهای متقابلی است و فقط به افراد محلی تعلق می‌گیرد.

تبیین ویژگی‌های ساختار مفهومی مسجد محله و تعیین موقعیت استراتژیک استقرار آن در نظام کالبدی محله

• تعریف اول از مسجد محله

بنابر تعریف دوم محله، مسجد محله (یعنی محلی که مرکز جوشش، پراکنش، اتحاد و تفهیم و تفسیر دین، اعتقاد و فرهنگ در حوزه های مختلف زندگی انسانی است؛ یعنی فرهنگ انسانی، فرهنگ اعتقادی، فرهنگ اجتماعی و فرهنگ اقتصادی) بایستی مرکز اداره‌ی ساختار فکری - انسانی، اقتصادی و اجتماعی محله باشد و از نظر کالبدی رکن در مرکز استراتژیک محله باشد.

• تعریف دوم از مسجد محله

براساس تعریف سوم محله، مسجد محله نماد و محل تجلی این اصول فرهنگی و قانون‌های ویژه‌ی اجتماعی است و نه تنها (در چگونگی معماری و ساختار کالبدی) مثال و تجسم فضایی نمادهای ویژه‌ی آن فرهنگ است، بلکه از نظر الگوهای جاری رفتار انسانی در فضا، محیطی خاص بر افراد حاضر و فعال در فضا القا می‌کند و آن‌ها را (تا زمان حضور خود در فضا) به

بهرنگ‌شدن و ازدست دادن صفت‌ها و حالت‌های رفتار فردی دعوت می‌کند و در نهایت به یکی‌شدن و هم‌رنگ‌شدن با صفت‌ها، حالت‌ها و عادت‌های فرهنگ و محیط.

- تعریف سوم از مسجد محله (تعریف مکمل ملی به‌منه)

بنا بر تعریف چهارم محله، مسجد محله علاوه بر داشتن ویژگی‌های کیفی و کمی مطرح‌شده در دو تعریف گذشته (یعنی عنصری قدرتمند و بسط‌گر گوی در تعریف و تجسم هویت خاص فضایی محله و فرهنگ رفتاری ساکنان آن و حفاظت از آن‌ها)، بانی مرکز اداری ساختار فکری - انسانی، اقتصادی و اجتماعی محله و اجرای این پیمان‌ها باشد (که خود برقرارکننده‌ی نظامی ویژه از رفتارهای جمعی و مشارکت‌های متعامل‌اند).

اهمیت راه و حفاظت از حریم آن در حقوق اسلامی و تأثیر آن در مکان‌یابی مسجد محله و تعریف هندسه‌ی آن

علاوه‌بر آنچه در باره‌ی ضرورت قرارگیری مسجد در مرکز استراتژیک محله آورده شد، برخی قانون‌های شریعت، گاه مستقیم و گاه غیرمستقیم، در تعریف و تعیین پارامترهای قرارگیری ابی در شهر و در محله و چگونگی معماری آن‌ها بسط‌گر مؤثرند. اهمیت راه و حفاظت از حریم و حدود آن در حقوق اسلامی و به تبع در شهر و محله ی اسلامی ازجمله‌ی این قانون‌هاست. برای مثال، براساس قانون‌های شریعت، فرد مسلمانی که از نظر طهارت عذر شرعی دارد،^{۲۲} اجازه‌ی توقف ملی نشستن در مسجد را ندارد و فقط می‌تواند در صورت ضرورت از مسجد برای مسیری عبور استفاده کند.^{۲۳} این قانون تأثیر بسط‌گر مهمی بر مکان‌یابی و معماری مسجد محله داشته است. نکته‌هایی که در این حکم می‌توان به آن‌ها توجه کرد به این قرار است:

نخست، محل استخراج این حکم در شریعت اذعان بر آن دارد که ترجیح است مسجدها در گره‌های شهری ساخته شوند که محل نبیند چند گذر اصلی از شهر ملی محله است (به‌گونه‌ای که مسجد و به‌ویژه مسجد محله نقطه‌ی عطف هر یک از راه‌ها و محله‌ها باشد). نمونه‌ی بارز این الگو مسجد جامع اصفهان در

^{۲۲} - منظور شخص جُنُب است.

^{۲۳} ر ک: خمینی، روح‌الله الموسوی، رساله‌ی عملیه و همچنین ر ک: رسول اکرم (ص) منقول در مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۲۸، روایت ۱.

محله‌ی میخان نقش جهان اصفهان و مسجد امام تهران در محله‌ی بازار تهران است.^{۲۴} همچنین، اجازه‌نداشتن برای توقف و نشستن این گروه از زنان و مردان مؤمن که مجبور بودند در برخی مجالس‌های دیگر مسجد شرکت کنند (مثل مجلس فاتحه، عزاداری طی دعا) باعث به‌وجودآمدن اندام‌هایی بی‌امون و البته مرتبط در فضاهای بی‌امون شبستان و پیوسته‌ی مسجد شد؛ چون حسی‌های سرپوشیده و سرباز طی مکانی برای خانم‌های معذور.

«از طرفی، در حکم دیگری که اساس آن بر مبنای بزرگداشت مقام و احترام به حرم مسجد قرار دارد، شبستان مسجد (تا آنجاکه ممکن است) نبایستی به‌عنوان راه و مسیری گذر (حتی افراد پاک و با وضو) قرار گیرد؛ مگر آنکه دو رکعت نماز تحیت در مسجد توسط ایشان به جای آورده شود».^{۲۵}

این نکته اعتبار خود را از کلام صادق آل محمد (علیه‌السلام) می‌گیرد و به وضوح حکم می‌کند تا آنجاکه ممکن است و موقعیت جغرافیایی محل اجازه می‌دهد، فقط حیط مسجد برای گذر در نظر گرفته شود و دسترسی‌های مستقیم شبستان به کوچه‌های بی‌امون فقط برای ورود و خروج مسلمانان نمازگزار باشد.^{۲۶} باتوجه به مجاز بودن مردم برای گذار از شبستان مسجد محله (البته فقط در زمان ضرورت) و باتوجه به دیگر احکام مربوط به اتصال صف‌های نماز جماعت و ضرورت طهارت مکان نمازگزار، اندازه و هندسه‌ی گذرهای مطرح شده در شبستان طی حیط مسجد رنایی به گونه‌ای باشد که در اقامه‌ی نماز جماعت و ادامه‌ی صف نماز در شبستان و حیط مسجد (و رن حفظ پاک‌بودن مکان نمازگزار) خللی وارد کند.

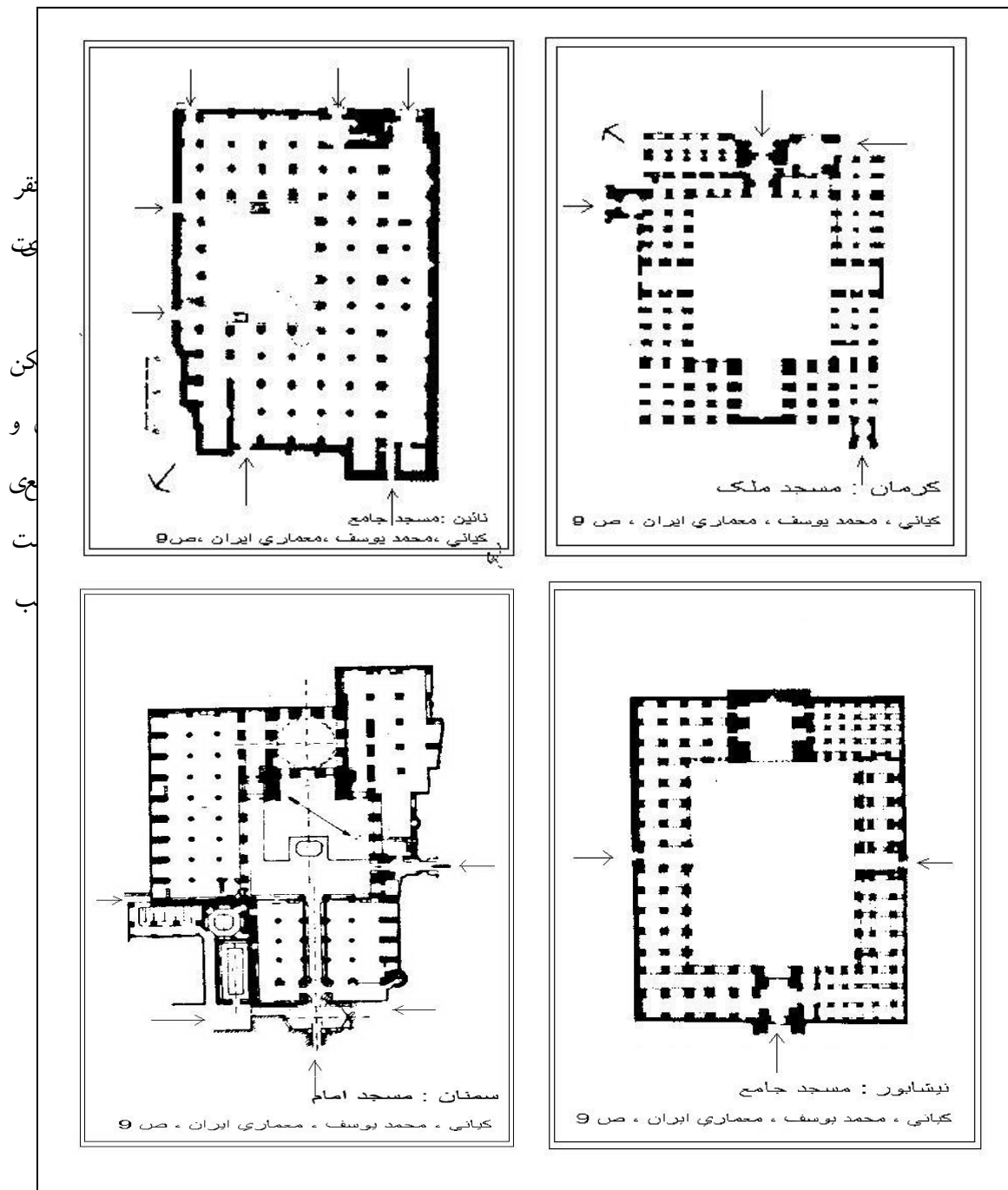
ارائه‌ی چند نمونه در معماری گذشتگان

^{۲۴} - عدم اشراف بر اماکن همجوار: بدیهی است در این قبیل مساجد و بلکه در تمامی موارد معماری مسجد نبایستی به‌گونه‌ای باشد که هیچ یک از اجزاء آن چون پنجره‌ها، بلم و یا مأذنه مسلج به خانه همسایگان اشراف داشته باشد. رک ب شیخ طه ولی، المساجد فی الاسلام، ص ۳۰۲.

^{۲۵} - مصباح الشریعه.

^{۲۶} البته نکته حائز اهمیت در حدیث فوق نیز احترام به حق عبور و راه مسلمین است که، علاوه بر امکان عبور از حیاط مسجد، به شرط حفظ احترام شبستان مسجد (توسط به جای آوردن دو رکعت نماز) حتی شبستان مسجد نیز می‌تواند با خیابان‌ها و گذرهای همجوار خویش ارتباط عبوری داشته باشد.

قبل از پرداختن به نتیجه‌گیری بحث و در استناد به معماری هوشمندانه‌ی گذشتگان این مرز و بوم، نقشه‌ی چند مسجد را ارائه می‌کنیم که تعدد ورودی‌های آن‌ها تلنگر محل استقرارشان در نقطه‌های عطف و استراتژیک محله‌ها بوده است.^{۲۷}



^{۲۷} - البته نمونه‌های موجود از این دست مسجدها بسیار فراوان (و در برخی موارد بسیار گویاتر از نمونه‌های آورده شده در اینجا است) است و فقط در دسترس بودن این نمونه‌ها دلیل انتخاب و وجود آن‌ها در این مقاله است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای، تهران، انتشارات بَیِّنِی، بی‌تا.
۲. خمینی (رحمه الله علیه)، روح اله الموسوی، رساله‌ی عملیه، تهران.
۳. صادق، امام جعفر (علیه السلام)، مصباح الشریعه، موسسه العلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۶۲.
۴. طباطبائی، سید محمد حسینی، المیزان - تفسیر قرآن کریم، تهران، انتشارات ام‌یکو، ۱۳۷۰.
۵. طه ولی، الشیخ، المساجد فی الاسلام، بیروت، دارالعلم الملائی، ۱۳۶۹.
۶. علّی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح زما‌ری مصطفی، قم، انتشارات بَیِّنِی اسلام، ۱۳۶۰.
۷. علی‌آبادی، محمد، «بررسی رابطه‌ی ذاتی روح و کالبد در نظام توسعه‌ی پایدار محله از دیدگاه اسلام»، همایش علمی کاربردی توسعه‌ی محله‌ای (چشم‌انداز توسعه‌ی پایدار شهر تهران)، مرکز تحقیقات حوزه‌ی امور اجتماعی شهرداری، تهران، ۱۳۸۳.
۸. کلویی، محمدیوسف، معماری ایان، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۹. مجلسی، سید محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، دار احطه التراث العربی، بی‌تا.

منبع: دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد